

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی

گروه حقوق خصوصی

عنوان:

وضعیت رهن منفعت و چشم‌انداز آن در نظام حقوقی ایران

از:

امین قاسم‌پور

استاد راهنما:

دکتر عباداله رستمی

استاد مشاور:

دکتر رضا مقصودی

شهریور ۱۳۹۳

تقدیم به روح پرفتوح استاد گرانقدر و آزادمرد تاریخ حقوق، مرحوم دکتر امیرناصر کاتوزیان،
که واپسین روزهای تدوین این پایان‌نامه (۱۳۹۳/۶/۱۱) با رحلت جناب ایشان مصادف شد.
روحش شاد، یادش گرامی.

در وهله‌ی اوّل از درگاه حق تعالی و سپس از خانواده‌ی خود سپاس‌گزار هستم؛ قدردانی ویژه از عنایات و راهنمایی‌های اساتید محترم، جناب آقای دکتر رستمی، جناب آقای دکتر مقصودی و سایر اساتیدی که در تدوین این پایان‌نامه، مساعدت فرمودند.

فهرست

مقدمه..... ۱

فصل اول: وضعیت رهن منفعت در نظام حقوقی کنونی..... ۵

۱-۱- مفاهیم و کلیات..... ۷

۱-۱-۱- مفاهیم و تعاریف..... ۷

۱-۱-۱-۱- رهن..... ۷

۱-۱-۱-۱-۱- رهن در لغت..... ۷

۱-۱-۱-۱-۲- رهن در اصطلاح حقوقی..... ۸

۲-۱-۱-۱- قبض..... ۹

۱-۲-۱-۱-۱- قبض در لغت..... ۹

۲-۲-۱-۱-۱- قبض در اصطلاح فقهی-حقوقی..... ۱۱

۳-۱-۱-۱- منفعت..... ۱۳

۱-۳-۱-۱-۱- معنای لغوی..... ۱۳

۲-۳-۱-۱-۱- معنای حقوقی و اصطلاحی..... ۱۳

۴-۱-۱-۱- رهن منفعت..... ۱۵

۲-۱-۱- کلیات..... ۱۶

۱-۲-۱-۱- تأثیر قبض در عقد رهن از منظر فقها..... ۱۸

۱-۱-۲-۱-۱- بلااثر بودن قبض در انعقاد رهن (به عنوان دسته‌ی نخست)..... ۱۸

۲-۱-۲-۱-۱- قبض شرط صحت (وقوع) عقد رهن (به عنوان دسته‌ی دوم)..... ۱۸

۳-۱-۲-۱-۱- قبض شرط لزوم عقد رهن (به عنوان دسته‌ی سوم)..... ۱۹

۲-۲-۱-۱- بررسی ادله‌ی قائلین به شرطیت قبض و پاسخ مخالفین..... ۲۱

۲-۱- نقد قانون مدنی و بررسی فقهی حقوقی گروگذاری منفعت در نظام حقوقی کنونی..... ۲۳

۱-۲-۱- قبض منفعت در قانون مدنی..... ۲۴

۲-۲-۱- نقد قانون مدنی در خصوص شرطیت قبض در عقد رهن..... ۲۶

۳-۲-۱- گروگذاری منفعت و ماده‌ی ۱۰ قانون مدنی..... ۳۱

فصل دوم: چشم‌انداز رهن منفعت در نظام حقوقی ایران..... ۳۷

مقدمه.....	۳۸
۱-۱-۲- واژگان قراردادی و کلیات در نظام رهن منفعت.....	۴۰
۱-۱-۲-۱- واژگان و مفاهیم کاربردی و قراردادی در نظام پیشنهادی رهن منفعت.....	۴۰
۱-۱-۲-۱-۱- مفهوم و تفسیر جدید از «قبض» در نظام رهن منفعت.....	۴۰
۱-۱-۲-۲- منافع موثوقه.....	۴۳
۱-۱-۲-۳- «تاریخ تقویمی» و «تاریخ مفهومی».....	۴۴
۱-۱-۲-۴- اجرای رهن منفعت.....	۴۴
۱-۱-۲-۵- اجاره‌ی رهنی.....	۴۵
۱-۱-۲-۶- استیفای کامل مدت.....	۴۵
۱-۱-۲-۷- تخلف اولیه و تخلف اجرایی (ثانویه) در پرداخت بدهی.....	۴۶
۲-۱-۲- مبانی و کلیات پیرامون نظام رهن منفعت.....	۴۶
۱-۲-۱-۲- عدم امکان توثیق منافع ماقبل از سررسید دین به عنوان رهن منفعت.....	۴۶
۲-۲-۱-۲- لزوم مراجعه‌ی مرتهن به راهن.....	۴۸
۳-۲-۱-۲- مطالبه‌ی خسارت تأخیر تأدیه توسط مرتهن.....	۵۱
۴-۲-۱-۲- بررسی لزوم رسمی بودن رهن منفعت در مرحله‌ی انعقاد.....	۵۹
۱-۴-۲-۱-۲- بررسی لزوم رسمی بودن انعقاد رهن منفعت در مورد اموال دارای سند رسمی.....	۵۹
۲-۴-۲-۱-۲- بررسی لزوم رسمی بودن انعقاد رهن منفعت در مورد اموال فاقد سند رسمی.....	۶۰
۵-۲-۱-۲- تعیین منافع موثوقه.....	۶۵
۱-۵-۲-۱-۲- لزوم تعیین منافع.....	۶۵
۲-۵-۲-۱-۲- اقسام تعیین منافع موثوقه در نظام رهن منفعت.....	۶۷
۱-۲-۵-۲-۱-۲- تعیین منافع به صورت «مدتی متصل».....	۶۹
۲-۲-۵-۲-۱-۲- تعیین منافع به صورت «مدتی منفصل».....	۷۴
۳-۲-۵-۲-۱-۲- تعیین منافع به صورت «مهلتی متصل».....	۷۵
۴-۲-۵-۲-۱-۲- تعیین منافع به صورت «مهلتی منفصل».....	۷۷
۵-۲-۵-۲-۱-۲- تعیین منافع به صورت «مدتی- مهلتی متصل».....	۷۷
۶-۲-۵-۲-۱-۲- تعیین منافع به صورت «مدتی- مهلتی منفصل».....	۷۹
۷-۲-۵-۲-۱-۲- تعیین منافع به صورت «دین‌محور»: صحیح یا باطل؟.....	۷۹

- ۸۲.....۱-۲-۶- لزوم اقدام فوری مرتهن در اجرای رهن پس از تخلف مدیون در پرداخت.
- ۸۴.....۱-۲-۷- ملازمه‌ی رهن منفعت با عقد اجاره.
- ۸۴.....۱-۲-۸- بدل رهینه در رهن منفعت.
- ۸۸.....۱-۲-۹- مواعد قابل توجه و تعیین‌کننده در نظام رهن منفعت: مواعد پانزده‌گانه.
- ۹۲.....۱-۲-۱۰- تصرفات منافی حق مرتهن.
- ۹۳.....۱-۲-۱۱- تصرفات ناقل مالکیت.
- ۹۳.....۱-۲-۱۲- اجاره‌ی مال مرهون‌المنفعه.
- ۹۴.....۱-۲-۱۱- حق تقدم مرتهن.
- ۹۵.....**۲-۲- انعقاد رهن منفعت.**
- ۹۵.....۱-۲-۱- شرط وکالت مرتهن در تملیک منافع در سررسید دین.
- ۹۷.....۲-۲-۲- شرط واگذاری منافع به خود مرتهن در صورت تخلف در پرداخت دین.
- ۹۹.....۳-۲-۲- رهن موقت منفعت.
- ۹۹.....۴-۲-۲- رهن منفعت پول.
- ۱۰۱.....۵-۲-۲- ترهین عین همزمان با ترهین منافع یک مال.
- ۱۰۳.....۶-۲-۲- رهن مکرر منفعت.
- ۱۰۴.....۱-۶-۲-۲- رهن مکرر منافع در فرض تعیین منافع در قالب «مدتی».
- ۱۰۵.....۲-۶-۲-۲- رهن مکرر منافع در فرض تعیین منافع در قالب «مهلتی».
- ۱۰۶.....۷-۲-۲- رهن منفعت در صورت مالکیت صرف منافع (مستأجر بودن راهن).
- ۱۰۸.....**۳-۲- اجرای رهن منفعت.**
- ۱۰۹.....۱-۳-۲- اشخاص صالح برای اجرای رهن منفعت.
- ۱۱۰.....۱-۳-۲-۱- مرتهن.
- ۱۱۱.....۲-۳-۲- مقامات عمومی و رسمی.
- ۱۱۱.....۱-۳-۲-۱- دفاتر اسناد رسمی.
- ۱۱۲.....۲-۳-۲-۱-۲- دفاتر ازدواج و طلاق.
- ۱۱۲.....۳-۳-۲-۱-۲- اداره‌ی ثبت.
- ۱۱۳.....۴-۳-۲-۱-۲- دادگاه.
- ۱۱۳.....۲-۳-۲- شیوه و سازوکار اجرای رهن منفعت.
- ۱۱۳.....۱-۳-۲-۱- اجرای رهن منفعت با محوریت چگونگی تعیین منافع موثوقه.
- ۱۱۳.....۱-۳-۲-۱-۱- اجرای رهن منفعت در تعیین منافع به صورت «مدتی».
- ۱۱۴.....۱-۳-۲-۱-۱-۱- اصل بقای حق ارتهان مرتهن تا زمان کامل استیفای مدّت موثوقه.

۱۱۴.....	۲-۱-۱-۲-۳-۲- انعقاد اجاره‌های مستلزم مدت متعارف با وجود مدت موقوفه‌ی نامتعارف.....
۱۱۶.....	۳-۱-۱-۲-۳-۲- اصل ترجیح انعقاد اجاره منطبق با کل مدت منافع موقوفه.....
۱۱۶.....	۲-۱-۲-۳-۲- اجرای رهن منفعت در تعیین منافع به صورت «مهلتی».....
۱۱۶.....	۱-۲-۱-۲-۳-۲- امکان تفویض بخشی از منافع موقوفه ناشی از وضع ماده‌ی ۳۴ قانون ثبت.....
۱۱۷.....	۲-۲-۱-۲-۳-۲- نقد ماده‌ی ۳۴ قانون ثبت به دلیل فراهم آوردن امکان تعلل مرتهن.....
۱۱۸.....	۳-۲-۱-۲-۳-۲- انعقاد اجاره‌های مستلزم مدت متعارف با وجود مهلت موقوفه‌ی نامتعارف.....
۱۱۸.....	۳-۱-۲-۳-۲- اجرای رهن منفعت در تعیین منافع به صورت «مدتی- مهلتی».....
۱۱۸.....	۲-۲-۳-۲- اجرای رهن منفعت از حیث تعدد عقود رهن منعقد بر مال.....
۱۱۹.....	۱-۲-۲-۳-۲- اجرای رهن منفعت در فرض ترهین هم‌زمان عین و منافع مال.....
۱۱۹.....	۱-۱-۲-۲-۳-۲- اجرای رهن در حالت تقدم اجرای رهن منفعت بر اجرای رهن عین.....
۱۲۱.....	۲-۱-۲-۲-۳-۲- اجرای رهن در حالت تقدم اجرای رهن عین بر اجرای رهن منفعت.....
۱۲۴.....	۳-۱-۲-۲-۳-۲- اجرای رهن در حالت همزمانی اجرای رهن عین و رهن منفعت.....
۱۲۵.....	۲-۲-۲-۳-۲- اجرای رهن در فرض رهن مکرر منافع.....
۱۲۶.....	۳-۲-۳-۲- اجرای رهن منفعت و یافته نشدن مستأجر: بررسی امکان واگذاری منافع موقوفه به مرتهن.....

۱۲۸..... **نتیجه‌گیری و پیشنهاد**

۱۳۰..... **منابع**

۱۳۷..... **ضمائم**

۱۳۷..... استفتا از مراجع تقلید پیرامون رهن منفعت.....

علائم اختصاری

آیین‌نامه‌ی اجرا آیین‌نامه‌ی اجرای مفاد اسناد رسمی لازم‌الاجرا و طرز شکایت از عملیات اجرایی مصوب ۱۳۸۷

ج جلد

ر.ک. رجوع کنید به

ش. شماره

ص. صفحه

صص صفحات

ق.ا. قانون اساسی

ق.ا.ح. قانون امور حسبی

ق.آ.د.م. قانون آیین دادرسی مدنی

ق.ث. قانون ثبت اسناد و املاک

ق.ر.م.م. قانون روابط موجر و مستأجر

ق.م. قانون مدنی

وضعیت رهن منفعت و چشم‌انداز آن در نظام حقوقی ایران

امین قاسم‌پور

مطابق نظر مشهور فقهای امامیه، برای صحّت عقد رهن، قابلیت قبض در رهینه و در نتیجه «عین» بودن آن، شرط و بر این اساس، رهن منفعت باطل است؛ چراکه منافع، «عین» محسوب نبوده و لذا قابل قبض نمی‌باشد. قانونگذار ایران نیز در این خصوص با فقهای مزبور هم‌داستان شده و در ماده‌ی ۷۷۴ قانون مدنی مصوّب ۱۳۰۷ هـ.ش، رهن منفعت را باطل دانسته است.

این در حالی است که از یک سو نیازهای جامعه‌ی کنونی، پذیرش رهن اموال فاقد عینیت از جمله، منافع را نیز اقتضا داشته و از سوی دیگر در قوانینی که بعد از قانون مدنی در زمینه‌ی معاملات رهنی به تصویب رسیده‌اند رهن بسیاری از این‌گونه اموال پذیرفته شده است که این امر، حاکی از تمایل مقنن به پذیرش رهن اموال غیرقابل قبض می‌باشد. به علاوه آنکه از جنبه‌ی فقهی نیز پاره‌ای از فقها قائل به عدم لزوم قبض در عقد رهن می‌باشند. با این وجود، از آنجا که قانون مدنی به عنوان قانون مادر، در زمینه‌ی عقد رهن، نقش اصلی و تعیین‌کننده دارد، نمی‌توان با استناد به قوانین دیگر یا نظر سایر فقها، صحّت رهن منفعت را نتیجه‌گیری نمود.

این پایان‌نامه ابتدا با بررسی دلایل، قوانین و مقررات فعلی و نیز آراء نویسندگان حقوقی، به نقد اصل شرطیت قبض در عقد رهن و تبیین ماهیت حقوقی عمل وثیقه‌گذاری منفعت در نظام حقوقی فعلی می‌پردازد. سپس با فرض معتبر دانستن رهن منفعت، به بررسی آثار، احکام و جزئیات این نهاد، پرداخته و در پایان، پیشنهاد اصلاح نظام قانونی کشور را در راستای پذیرش رهن منفعت اموال، به مقنن ارائه می‌دهد.

کلیدواژه: رهن، عین، منافع موثوقه، قبض، مدّت، سررسید دین، تخلف در پرداخت

Abstract

Subject: The Situation of Interest Mortgage and its Perspective in Iran's Legal System

Author: Amin Ghasempour

According to the famous doctrine of Shia jurists, in order to validate mortgage contract, the capability of grasping in mortgage property, accordingly the being objective of it is a condition and based on this approach, the hypothecation of interest is void; Since the profits is not counted as of objective, and therefore is not graspable. Iran legislature, in this respect, has been harmonized with the mentioned jurists and in Article 774 of Civil Code A.D. 1928, has considered the hypothecation of interest as being null and void.

This is while from one side, the needs of the present community necessitate the acceptance of the mortgaged properties without objectivity, and from other side, due to statutes enacted after the Civil Code concerning secured transactions the mortgage of many of this properties has been accepted. This indicates the legislature's tendency to approve the mortgage of the non-graspable properties. What's more, from a jurisprudence prospect, some of jurists do not believe in the necessity of grasping in mortgage contracts. However, since the Civil Code is seen as the basic law governing mortgage contracts, the validity of interest hypothecation cannot be obtained by simply invoking other statutes or other jurists' doctrine.

Considering all the above, this study is an attempt to criticism primarily the necessity of grasp capability in mortgage contract through analyzing relevant evidences and current statutes and regulations as well as legal jurists' doctrines. Then, while presuming interest hypothecation as valid, the details, effects, and rules of this type of hypothecation are examined in depth. The study then ends with some suggestions to legislature as to revise the country's statutory system in a way to legalize interest hypothecation.

Keywords: Mortgage, Object, Hypothecated Interests, Grasp, Term, Maturity, Default

مقدمه

قانون مدنی ایران به تبعیت از دیدگاه مشهور فقهای امامیه، برخی شرایط را برای نفوذ عقد رهن الزامی دانسته است؛ این قانون با اشتراط قابلیت قبض برای مال مرهون، آن را منحصر در عین معین دانسته، حکم به بطلان رهن دین و منفعت داده است؛ این در حالی است که بررسی و مطالعه تحلیلی آرای فقهای امامیه، این حقیقت را آشکار می‌سازد که برخی از فقهای بزرگ در مقام ارائه ادله، خلاف نظر مشهور برآمده و دیدگاه‌های متفاوتی در زمینه‌ی شرطیت قبض، ابراز نموده‌اند. نظر به نیاز کنونی جامعه به رهن اموال فاقد عینیت همچون منفعت اموال، مستندات ابرازی این عده از فقها در نقد عقیده ابرازی قائلین شرطیت قبض، می‌تواند در حصول به اندیشه و باور صحیح در این خصوص، راهگشا باشد. حتی نه فقط عقد رهن، بلکه در خصوص «وقف» دین و منفعت نیز هم‌اکنون بین حقوقدانان زمزمه‌هایی به گوش می‌رسد. (دبیری، ۱۳۸۸: ۹۱)

در هر حال، از آنجا که مقررات فقهی مزبور (و به تبع آن، قوانین موضوعه‌ای که از آن‌ها الهام گرفته است) مبتنی بر واقعیات اقتصادی اعصار گذشته می‌باشد، به نظر می‌رسد برای مناسبات اقتصادی جدید کارایی چندانی ندارد؛ خصوصاً اینکه در عصر حاضر، ثبت رسمی قرارداد و نیز برخی دستاوردهای الکترونیکی و فناوری‌های نوظهور می‌توانند همان نقشی را که از «قبض» موضوع قانون مدنی، انتظار می‌رود به خوبی ایفا نمایند؛ کما اینکه مقنن نیز پس از تصویب قانون مدنی به این مهم پی برده و در قوانینی مانند قانون دریایی مصوب ۱۳۴۳، قانون تسهیل اعطاء تسهیلات و کاهش هزینه‌های طرح و تسریع در اجرا طرح‌های تولیدی و افزایش منابع مالی و کارایی بانک‌ها مصوب ۱۳۸۶، قانون عدم الزام سپردن وثیقه‌ی ملکی به بانک‌ها به منظور تسهیل امر سرمایه‌گذاری و ایجاد اشتغال بیشتر در طرح‌های تولیدی، مصوب ۱۳۸۰ و نیز قانون منطقی کردن نرخ سود تسهیلات بانکی متناسب با نرخ بازدهی در بخش‌های مختلف اقتصادی (با تأکید بر قانون عملیات بانکی بدون ربا) مصوب ۱۳۸۵، رهن مصادیقی از اموال را پذیرفته است که فاقد جنبه‌ی عینیت است؛ همچنین، نظام بانکی کشور علاوه بر وثایق موضوع این قوانین، در قالب برخی دستورالعمل‌ها و آیین‌نامه‌ها، رهن مصادیق دیگری از این اموال را تحت عناوینی نظیر تضمین، تأمین، وثیقه و... پذیرفته است.

این در حالی است که اگر مقررات قانون مدنی به عنوان قانون مادر، در باب عقد رهن از جمله قواعد آمره تلقی شود، توسل به چنین راهکارهایی در عمل، به رغم تأثیر مثبت آن در رشد و توسعه تجاری و اقتصادی کشور، فاقد مبنا بوده و آثار قانونی لازم را دارا نخواهد شد و لاجرم چاره‌ای جز تمسک به ماده‌ی ۱۰ ق.م. در این خصوص باقی نخواهد ماند.

آنچه در خصوص تعارض قانون و رویه و نیز وجود نهادهای حقوقی متفاوت در باب توثیق در نظام حقوقی ایران از آن یاد شد، در واقع ناشی از فقدان یک نگرش علمی مبتنی بر تحلیل‌های اقتصادی و حقوقی در خصوص مقوله‌ی رهن است و این خود، ضرورت بازنگری در این قوانین و تطبیق این نهادها با واقعیات و مقتضیات تجارت نوین و نیز رفع تعارض میان قوانین مزبور و نیز رویه‌ی حاکم بر نظام بانکی کشور را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد؛ بدیهی است که برای نیل به این مهم باید با مذاقّه در مبنای تدوین مقرّرات قانون مدنی در باب عقد رهن و به ویژه ماده‌ی ۷۷۴ آن و کنکاش در مبنای دیدگاه مشهور فقهای امامیه، که مقرّره‌ی فوق، منبعث از دیدگاه آن‌ها است، و نیز تحلیل مبنای نظر فقهای مخالف و مطمح نظر قرار دادن عقاید فقهای معاصر، به نتیجه‌ای دست یافت که به تدوین مقرّراتی منسجم، مستحکم، کارآمد و در عین حال غیرمعارض با الزامات فقهی بینجامد؛ به گونه‌ای که به هنگام تصویب نهایی این مقررات از سوی مراجع نظارتی با ایراد عدم مطابقت با موازین شرعی مواجه نشود.

این پژوهش، نخست به بررسی رهن منفعت در مقام تشریح و اصالت بخشیدن به آن می‌پردازد و در گام بعد، مباحث جزئی‌تر را از قبیل اینکه این نهاد حقوقی به اشکال و صورتی قابل انعقاد بوده و بر هر حالت، چه آثار و احکامی متصور است، مورد بررسی قرار می‌دهد. ثانیاً نوشتار حاضر، ابعاد قضیه را عمدتاً در نظام حقوقی داخل، مورد بررسی قرار می‌دهد؛ لکن به منظور پی بردن به اهمّیت مسأله در عصر حاضر باید به این حقیقت توجه داشت که فرآیند ترهین و نیز وثیقه‌های مورد قبول نظام بانکی (یا به طور کلی)، نه تنها در عرصه حقوق داخلی، بلکه در حوزه روابط خارجی و تجارت بین‌الملل نیز منشأ اثر قرار می‌گیرد؛ زیرا در سطح کلان و نسبت به سرمایه‌گذاری‌های عمده برای توسعه فعالیت‌های اقتصادی و تجاری، نیاز به اخذ تسهیلات و چه بسا سرمایه‌گذاری‌های خارجی به وضوح احساس می‌شود و از آنجا که به موجب قواعد حل تعارض سنتی، ایجاد حق وثیقه و قواعد تقدم ناشی از این حق در اموال غیرمنقول، تابع قانون محل وقوع موضوع وثیقه است، در نتیجه، آن عده از متقاضیان تسهیلاتی که تحت حکومت قواعد و قوانین مدرنی در خصوص معاملات وثیقه‌ای هستند، قادر خواهند بود که اعتبارات مورد نیاز را به نرخ رقابتی و با سهولت بیشتری در بازارهای داخلی، منطقه‌ای و یا حتی جهانی دریافت نمایند؛ بنابراین، مشاهده می‌شود که نظام حقوقی حاکم بر معاملات وثیقه‌ای، در هر دو عرصه‌ی حقوق داخلی و خارجی منشأ اثر است؛ به گونه‌ای که این امر می‌تواند روند جذب سرمایه و تسهیلات لازم را تسریع بخشد یا اینکه در این مسیر تضییقات بسیاری را به وجود آورد.

سوالات اصلی تحقیق

در خصوص این پژوهش چند سوال اساسی مورد توجه نگارنده قرار گرفته است:

۱) علت یا علل اصلی باطل دانستن رهن منفعت در نظر فقهای امامیه و نیز مقنن چیست؟

۲) آیا با توجه به ضرورت‌های اقتصادی و اجتماعی و نیز تحولات ثبتي و دادگستری امروز، می‌توان توجیه و

استدلالی برای صحت رهن منفعت تدارک دید؟

۳) به وثیقه‌گذاردن منافع یک عین، فرضاً اگر وفق قانون مدنی نتواند عقد رهن (به معنای خاص خود) باشد، آیا بر

اساس ماده‌ی ۱۰ ق.م. می‌تواند به عنوان عقدی صحیح انگاشته شود؟ و آیا در این صورت تمامی حقوق و تکالیف راهن و مرتهن بر طرفین قرارداد بار می‌شود؟

۴) رهن منفعت در فرض پذیرش آن در اصل، چگونه منعقد و اجرا گشته و چه آثار و احکامی دارد؟

فرضیه‌های تحقیق

۱) به نظر می‌رسد بطلان رهن منفعت در فقه و قانون مدنی عمدتاً به دلیل اعتقاد به عدم قابلیت قبض آن باشد.

۲) امروزه پیچیدگی معاملات و لزوم تساهل در روابط اقتصادی و تجاری جهت تسریع امور، از یک سو و پیش‌بینی مراجع ثبتي و نظام دادگستری و اجرای احکام فعلی که با نظام مشابه در قرون گذشته بسیار متفاوت است از سوی دیگر، ایجاب می‌کند رهن اموالی که فاقد جنبه‌ی عینیت هستند (از جمله منافع) مورد توجه قانونگذار قرار گیرد.

۳) اگر قانون مدنی به عنوان قانون مادر در مورد عقد رهن در نظر گرفته شود و با توجه به صراحت ماده‌ی ۷۷۴ این قانون در بطلان رهن منفعت، نمی‌توان گرو گذاشتن منافع یک عین را داخل در «عقد معین رهن» دانست؛ لکن می‌توان این عمل را نوعی عقد نامعین مشمول ماده‌ی ۱۰ قانون مدنی دانست که البته در این صورت فاقد برخی اوصاف خاص عقد رهن می‌باشد.

۴) در فرض پذیرش اصل رهن منفعت، به نظر می‌رسد می‌توان منافع مال را به صورت تعیین مدت خالص میزان منافی که می‌توان تملیک نمود یا تعیین مهلت برای استیفای طلب از منافع یا تلفیقی از آن دو، ترهین نمود. اجرای رهن منفعت نیز بر اساس اینکه تعیین منافع موثوقه به چه صورت انجام شده است، احکام خاص می‌یابد. به طور کلی از لحاظ عقلی می‌توان نظامی را تصور نمود که طی آن، طلب دائن از منافع مالی استیفا گردد.

پیشینه‌ی تحقیق و ضرورت آن

در خصوص موضوع این پژوهش تاکنون در جامعه حقوقی کشور، مطالعه تحلیلی عمیقی صورت نگرفته است؛ به نحوی که صرفاً رساله‌ای با موضوع «مطالعه‌ی تطبیقی رهن اموال غیرمادی در حقوق ایران و آمریکا» به قلم سرکار خانم دکتر فریده‌ی شکری در دانشگاه تربیت مدرس، رؤیت شد که در آن پیرامون رهن منفعت تنها در ۵ صفحه آن هم به ذکر

کلیات و دیدگاه‌های مختلف فقها پرداخته شده است. همچنین مقالاتی معدود در خصوص رهن دین و توثیق اسناد تجاری تدوین و برخی نظرات پراکنده در این زمینه ابراز شده است. از آنجا که هم دین و هم منفعت از جهت قابلیت قبض تقریباً به طور یکسان مورد نقد قرار می‌گیرند و به طور کلی حکمی که در خصوص رهن دین صادر شود در پاره‌ای موارد منطقی در رهن منفعت نیز جاری می‌گردد، لذا مقالات فوق‌الذکر نیز تا حدی راه‌گشای نویسنده در بحث رهن منفعت بوده است.

در هر حال، کاستی‌هایی که در نوشتارها و منابع علمی پیرامون موضوع مستقل رهن منفعت وجود دارد و همچنین اهمیت بسیار این موضوع و نقش و تأثیر آن در نظام حقوقی و اجتماعی، ضرورت و دلیلی بود که پژوهش حاضر به این موضوع اختصاص یابد.

روش تحقیق و محدودیت‌ها

روش تحقیق پژوهش حاضر، روش توصیفی-تحلیلی است؛ به این معنی که در وهله نخست، کتاب‌ها، مقالات و دیگر آثار، جمع‌آوری و مطالعه شده و سپس نتایج مطالعات صورت گرفته به بوطه نقد، تحلیل و استنتاج درآمده است. بدیهی است شهرت بطلان رهن منفعت در فقه و صریح‌تر از آن، ماده‌ی ۷۷۴ قانون مدنی و نیز کمبود منابع علمی در جهت تشریح و اجتهاد در خصوص این نهاد حقوقی، محدودیت‌های موجود پیش‌پای‌نگارنده در تدوین این پژوهش بوده است. همچنین با توجه به ضرورت‌های اقتصادی و تجاری امروز و لزوم هماهنگی با نظام اقتصادی جهانی، بررسی و تهیه قانونی برای پیشنهاد به مقنن و جامعه و نمونه توسط محققین در خصوص نظام توثیق در کشور، به طور که همه‌ی ابعاد قضیه (اعم از توثیق تجاری و مدنی، توثیق انواع مختلف اموال و مقررات متناسب با هر یک) را شامل شود، می‌تواند به عنوان موضوعی برای پژوهش‌های بعدی در این خصوص مد نظر علاقه‌مندان قرار گیرد.

تقسیم مطالب و چارچوب کلی

این پایان‌نامه در دو «فصل» به بررسی ابعاد فقهی-حقوقی رهن منفعت می‌پردازد. فصل اول را شماره‌ی «۱» و فصل دوم را با شماره‌ی «۲» مشخص نموده‌ایم. در فصل اول طی دو مبحث، در حد لزوم به تعریف مورد نظر از واژه‌های مرتبط و نیز کلیاتی پیرامون رهن منفعت در فقه و قانون و نیز امکان قبض منافع، ماهیت حقوقی گروگذاری منافع و نیز نقد موضع مقنن توجه شده و در فصل دوم طی سه مبحث، با فرض پذیرش اصل نظام رهن منفعت، چشم‌انداز این نهاد در آینده‌ی نظام حقوقی ایران و آثار و احکام آن (انعقاد و اجرا) در جزئیات مورد بررسی قرار گرفته است.

فصل اول

وضعیت زمین منقعت در نظام حقوقی کنونی

در نگاه نخست، چنین به نظر می‌رسد که «وضعیت رهن منفعت» در نظام حقوقی فعلی روشن است و چندان جای بحث ندارد: ماده‌ی ۷۷۴ قانون مدنی، این وضعیت را روشن ساخته و با باطل شناختن این نهاد، ابهامی در این خصوص باقی نگذاشته است.

این برداشت تاحدی صحیح بوده و به همین دلیل مباحث این فصل، از حیث کمیت، سهم کمتری را در این پایان‌نامه به خود اختصاص داده است. لکن نباید تلقی مزبور را تمام دانست:

اولاً چنانکه در مقدمه‌ی پایان‌نامه نیز اشاره گردید، هم‌اکنون قراردادهای بسیاری در عالم حقوق پا به عرصه‌ی وجود گذارده‌اند که تنها از نام رهن منفعت (و یا رهن دین) محروم بوده در حالی که عملاً و به حکم تراضی طرفین، دارای همان ویژگی و نتیجه می‌باشند و اشخاص، بدون توجه به امور حقوقی، همان نتیجه را از این‌گونه تراضی‌ها می‌خواهند. در این شرایط، معمولاً تا زمانی که اختلافی شکل نگرفته باشد، نوبت به لزوم تحلیل اراده‌ی طرفین، آثار بطلان تراضی و... نمی‌رسد؛ اما همین که گرهی در کار افتد و نزاعی برخاسته از مفاد تراضی، پدیدار گردد و متعاقباً یکی از طرفین، ناخرسند از پیمان‌شکنی طرف خود، نزد مرجع صالح، دادخواهی نماید، فایده‌ی عملی مباحث این فصل آشکار می‌گردد. اینجا است که باید دید آیا این‌گونه تراضی‌ها به کلی محکوم به بطلان بوده و یا صرفاً از حیث «رهن بودن»، در معنای عقد معین آن، باطل می‌باشند.

ثانیاً مباحث فصل دوم این پایان‌نامه، همگی با مفروض دانستن صحّت رهن منفعت، به بیان آثار و جزئیات این نهاد پرداخته است؛ منطق حقوقی ایجاب می‌نماید که پیش از بیان آثار و احکام نهادی که در حال حاضر و به حکم قانون، باطل شناخته شده است، پیرامون ضرورت به رسمیت شناختن آن، استدلال و توجیه کافی به عمل آید. بررسی وضعیت رهن منفعت، آن‌گونه که در این فصل انجام شده است، زمینه و مقدمه‌ی مناسبی را برای تبیین این ضرورت فراهم می‌آورد.

بدین ترتیب و با در نظر گرفتن مقدمات فوق، به تبیین مباحث فصل جاری پیرامون وضعیت رهن منفعت با دیدگاهی انتقادی می‌پردازیم.

۱-۱- مفاهیم و کلیات

پیش از پرداختن به مباحث خاص رهن و توثیق منافع، آشنایی با پیشینه‌ی فقهی احکام رهن از جمله قبض و همچنین آشنایی با اصطلاحات مطرح در این زمینه ضروری به نظر می‌رسد. در این بخش، به بررسی پاره‌ای از مفاهیم و واژه‌های مرتبط با بحث و نیز بررسی کلیاتی از آرای فقها پیرامون نقش قبض در عقد رهن خواهیم پرداخت.

۱-۱-۱- مفاهیم و تعاریف

در این قسمت، واژگان و عباراتی که در بخش جاری کاربرد داشته و همچنین معنای خاصی از آنها مد نظر می‌باشد، مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۱-۱-۱-۱- رهن

همان‌گونه که از عنوان این پایان‌نامه نیز مشخص است، «رهن» یکی از اصلی‌ترین واژگان این نوشتار به شمار می‌آید؛ خصوصاً آنکه هر تعریف و برداشتی از رهن به دست آید، بر مباحث بعدی، خصوصاً بر تصمیم‌گیری پیرامون لزوم یا عدم لزوم قبض در این عقد، مؤثر خواهد بود.

۱-۱-۱-۱- رهن در لغت: رهن در لغت به معنای گرو و وثیقه (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۳: ۱۲۹) ثبات و دوام (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۶: ۲۵۸) آنچه برای دین، به وثیقه گذارده می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۶۷) و جمع آن را «رهن» «رهان» و «رهن» دانسته‌اند. (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۴: ۴۴)

همچنین در تعریف واژه‌ی رهن آمده است: «...ثبات و دوام است. با دادن رهن در واقع طلب مرتهن از نظر حقوقی ثبات و قرار پیدا می‌کند. رهن به معنی حبس هم استعمال شده است. ضرب‌المثل معروف «الامور مرهونه بأوقاتها» (هر کاری در زندان زمان خود قرار دارد) در همین معنی به کار رفته است. (لنگرودی، ۱۳۷۰: ۲)^۱

۱- جهت مطالعه‌ی تفصیلی پیرامون رهن از حیث لغوی و حقوقی در دین اسلام و قبل از اسلام ر.ک.: میرمحمدی: ۱۳۶۷.

در آیه ی ۳۸ سوره ی مبارکه ی مدثر، (كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ) واژه ی رهن در وزن فعلیل آمده است. در این باره گفته شده است «واژه ی رهن بر وزن فعلیل به معنای فاعل است. پس رهینه در آیه یعنی پایدار، ثابت و پایدارنده ی کارهای خویش. برخی نیز آن را به معنای مفعول گرفته اند [شهید ثانی، ۱۴۱۰: ۵۱]: هر کس در گرو پاداش همان کاری که کرده است قرار می گیرد. و چون از واژه ی رهن و گرو، معنای ضبط و نگه داشتن تصور می شود لذا رهینه به طور استعاره برای حبس و نگهداری هر چیز به کار می رود. پس «بما کسبت رهینه» یعنی هر کس در حبس و ضبط چیزی است که کسب کرده است: رهنْتُ فلاناً؛ او را پا بر جا کردم. رهنْتُ عنده: نزد او گذاشتم.» (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۴: ۱۹۰)

۱-۱-۱-۲- رهن در اصطلاح حقوقی

رهن در این معنا به دو صورت به کار رفته است:

اول: عقد رهن: ق.م. در ماده ی ۷۷۱ مقرر می دارد: «رهن عقدی است که به موجب آن مدیون مالی را برای وثیقه به دائن می دهد.» تعاریف دیگری از رهن شده است که در آن ها منظور از رهن، عقد رهن است:

«عقدی را که به موجب آن، مال مدیون وثیقه ی طلب قرار می گیرد رهن می نامند.» (کاتوزیان، ۱۳۸۹: ۴۹۶)

در تعریف فوق، از عبارت «مال مدیون» استفاده شده که موجب خروج تخصّصی رهن مال غیر (رهن مستعار) گشته و از این جهت، قابل انتقاد به نظر می رسد.

«رهن عقدی است که به موجب آن، مالی وثیقه ی دین قرار می گیرد.» (امامی، ۱۳۷۰: ۳۳۱)

در این دو تعریف تفاوت دیدگاه هر یک از نویسندگان نسبت به عقد رهن از این جهت که رهینه برای دین است یا برای طلب، مشهود می باشد که به نظر می رسد پرداختن به جنبه ی ایجابی تعهد مالی (یعنی طلب)، منطقی تر از التفات به جنبه سلبی آن باشد.

دوم: مال مورد رهن: در این معنا واژه ی رهن به آنچه به عنوان وثیقه داده می شود اطلاق می گردد. قانون مدنی در موارد متعدّدی واژه ی رهن را در این معنا به کار برده است؛ چنانکه ماده ی ۷۸۹ ق.م. مقرر می دارد: «رهن در ید مرتهن امانت محسوب می شود.» نمونه ی دیگر ماده ی ۷۸۴ و نیز ماده ی ۷۸۵ (به قرینه ی واژه ی «مبیع») می باشد.

صاحب لمعه و صاحب شرایع که در تعریف رهن می‌نویسند: «و هو وثیقۀ للدين» (شهید اول، ۱۴۱: ۱۲۹) و «و هو وثیقۀ لدين المرتهن» (محقق حلّی، ۱۴۱۸: ۱۳۷) ظاهراً رهن را در معنای دوم (=مال مرهون) به کار برده‌اند یا حداقل تفکیکی این‌چنین در مورد معنای رهن قائل نشده‌اند.

در هر حال آنچه از تعاریف رهن (چه لغوی و چه حقوقی) قابل اصطیاد است آنکه قبض و اخذ وثیقه در ذات «رهن» نهفته نیست (همچنان که در ذات سایر عقود عینی هم نمی‌باشد: سکوتی، ۱۳۸۴: ۶۶ و ۶۷) و به عبارت بهتر، رهن و قبض، ملازم یکدیگر نمی‌باشند؛ به همین دلیل آیه‌ی کریمه می‌فرماید: «فِرْهَانٌ مَّقْبُوضَةٌ...» (بقره/۲۸۳)؛ چراکه اگر رهن و قبض ملازم یکدیگر بودند «مقبوضه» در این آیه زائد و خلاف حکمت شارع مقدّس محسوب می‌گردید؛ چنانکه برخی نیز ذکر مقبوضه را مبتنی بر تأکید دانسته‌اند. (فاضل مقداد، ۱۴۰۴: ۱۶۶) (در این باره در آینده بحث خواهیم کرد).

۱-۱-۱-۲- قبض

از آنجا که در بحث رهن، قبض، یکی از مباحث اصلی بوده و خصوصاً در رهن منفعت، عمده‌ی منازعات بر سر امکان یا عدم امکان قبض منافع می‌باشد، شایسته است در خصوص معنای قبض در حدّ حوصله‌ی این نوشتار دقّت و بررسی صورت گیرد. بدین منظور قبض را در لغت و نیز در اصطلاح فقهی-حقوقی بررسی می‌نماییم.

۱-۱-۱-۲-۱- قبض در لغت

قبض در لغت عمدتاً در مقابل بسط و وسع (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۷: ۲۱۳؛ مصطفوی، ۱۴۰۲: ۱۸۲)، و به معنای گرفتن (دهخدا، بی تا: مدخل قبض؛ قرشی، ۱۳۷۱، ج ۵: ۲۲۲)، گرفتن با دست و پنجه، گرفتن با همه‌ی کف دست، جمع و گره کردن دست بعد از اخذ شیء، دست کشیدن و باز ایستادن از چیزی، امساک و خودداری از بذل و بخشش، تحصیل شیء ولو بدون دخالت دست و انگشت (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۵۲؛ فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۵: ۵۳)، الم و ناخوشی و ناراحتی (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۴: ۲۲۶) به کار رفته است.